

تواضع (م) ان

عکس دوخته‌های رسول کمالی

و

شعر علی‌رضا فخرکننده



www.ketab.ir

سرشناسه:	کمالی دولت‌آبادی، رسول، ۱۳۶۱ - عکاس
عنوان و نام پدیدآور:	توآمان / عکس‌دوخته‌های رسول کمالی؛ شعر علیرضا فخرکننده.
مشخصات نشر:	اصفهان: نشر نهفت، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۶۴ ص: مصور؛ ۲۹×۲۲ س.م.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۴-۴۲-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	پشت جلد به انگلیسی: Photography Rasool Kamali. Toaman. ۴۶-۱. توآمان / عکس‌دوخته‌های رسول کمالی. ص. ۴۷-۶۴ شعر صورت‌های چهل‌ام / شعر علیرضا فخرکننده.
مترجات:	ص. ۴۶-۱. توآمان / عکس‌دوخته‌های رسول کمالی. ص. ۴۷-۶۴ شعر صورت‌های چهل‌ام / شعر علیرضا فخرکننده.
عنوان دیگر:	عکس‌ها -- ایران
موضوع:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده:	فخرکننده، علیرضا، ۱۳۶۱ -
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۲ ت ۹۷۶/۷۶۴ TR
رده‌بندی دیوبی:	۷۷۹/۹۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی:	۳۲۲۶۳۲۷

www.ketab.ir

توامان

عکس‌های رسول کمالی و شعر علیرضا فخرکننده

مدیر تولید: مهرانگیز بیدمشکی / صفحه‌آرا و طراح جلد: رسول کمالی / نوبت چاپ: اول/۱۳۹۵ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / لیتوگرافی: نقش / چاپ: حافظ / صحافی: مردانی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۴۴-۴۲-۶
کلیه حقوق محفوظ است / Copyright 2016 © NAHOFT Publication

www.nahoft.ir

nnahoft@yahoo.com

nahoft_publication@yahoo.com

ناهوфт



اصفهان / چهارراه آپادانا / مقابل بانک سپه / ساختمان شماره ۴ / طبقه ۲ / واحد ۳ / تلفن: ۰۳۱-۳۶۴۱۳۷۶۵

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سخن عکاس	۶
نقد: تاب آشوبی در تن تاریخ	۷
مجموعه عکس: توامان	۱۴
شعر: صورت های چهلیم	۴۸

سخن عکاس

شاید واگویی هر اثر به دست خالق آن چندان صحیح نباشد چرا که خوانش/ برداشت مخاطب از مجموعه را محدود می‌کند. با این حال اگر گفتن از کلیات یک ایده، سرنخی برای روشن‌تر دیده شدن اثر بدهد الزام‌آور می‌شود. شروع کار با روبرویی و تقابل فرمیک بناهایی شکل گرفت که رمزآلودگی و ابهام، بین آن‌ها بسان اندامی باقی‌مانده از تاریخ بود. معماری که مرجعی است از تنوع مهارت‌های کاربردی و تجمیع شاخه‌های هنری، می‌تواند میزان شناخت، توانایی، نحوه‌ی زیست و نیز خواستگاه زندگی بر معانی بر معنی را نمود بخشد. بر این اساس می‌توان فرهنگ، باور و هویت ایدئولوژیک هر جامعه را همانند یک موجود به مثابه‌ی یک نمونه‌ی آماری- از مسیر معماری آن دنبال کرد. مفاهیم استعاره‌ای، ساز و اجزای معماری سنتی در گذار به سوی تجدد، تعقل و نسبیست‌گرایی امروز، جز برای تاریخ‌نگار شدن به عنوان دارندگی و برازندگی، توجه بسیاری از ما را بر نمی‌انگیزد. اجزایی صرفاً زیبایی-مفاهیمی ناکارآمد و نامرتبط با زندگی کنونی. اگر به دنبال بازخوانی و کشف و شهود در امروزین معماری باشیم همانند دوجرخه‌سواری هستیم که از مقابل ساختمانی مسابقه را با دیگر سواران آغاز کرده‌اند و این دوره‌های مسابقه شاید هر بار که از مقابل آن معماری عبور کرده‌ام، حظ بصر برده‌ام و شاید به ارزش‌گذاری و نقد اجزای آن نیز- به مثابه‌ی یک ماشین، یک اثر هنری یا حتی یک تابو یا نشانه‌های یادگار- پرداخته‌ام؛ ولی اکنون هرچه به آخرین دوره‌ها نزدیک می‌شوم، بدن خسته صرفاً حضور آن ساختمان را در جلوی چشمانش می‌طلبد تا فقط پایان یک دور در مسابقه را به خود القاء کند و برای این القاء تنها به تنه‌ی زوال یافته‌ی همان معماری کفایت می‌کند، اینجاست که نه مکان و نه زمان هیچ‌کدام معنی ندارند. ادراک نمی‌یابند و ساختمان تنها خواستگاه می‌شود برای دریافت و دریافت‌شدن. بزرگ و دشر، سخت-تسخیر شدنی به مانند لانه‌ی هیولا. هربار که تنها قسمتی از آن در جلوی چشم حضور می‌یابد بی‌توجه به هر واقعیت بیرونی، تن خسته و شاید‌های برد و باخت را در پیش چشمانم نظاره می‌کنم و بر آن دسیسه می‌چینم. آنگاه معماری تفسیری جدید می‌یابد. و آتاپینه می‌شود. لحظه در لحظه به دست آوردنی/ فتح شدنی یا از دست دادن می‌گردد. در این آشفتگی، نیازهایش به مانند یال و کوپال هیولا حضورم را به سخره می‌گیرند، طعنه می‌زنند و گاه ستودنی می‌کنند. با جابجایی، جانشینی و تکه و پاره کردن ادراکات ذهنی من و با اتفاقاتی که تودرتو و توام روی می‌دهند، مرا از تناقض و تقابل پر می‌کنند. اینجاست که زوال و زایشی مدام در کنار یکدیگر شکل می‌گیرد و فرا/ فرو بودن با همان زبان نمادین بغرنج‌تر می‌شود و مرز خیال و وهم کمرنگ می‌شود. حتی انتخاب نام مجموعه فرای ارتباط محتوایی- یعنی رخ داد هم‌زمان چند جریان در اثر- بر اساس بازی‌ای کلامی انتخاب شده است تا این پیچیدگی را نمود دهد: امان خواستن از دیگری (تو- امان نمی‌دهی/ می‌دهی!) و یا واژه‌ی (من) که در میانه‌ی دو الف دو تکه شده و از واژه‌ی (تو) دور افتاده است...

رسول کمالی

آذرماه ۱۳۹۱